



اصول اعتقادی زنان انقلابی^۱

عادلہ سادات^۲

چکیده

انقلاب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های جهان به شمار می‌رود. بدون شک در این انقلاب زنان نقش بسزایی را ایفا کردند. اما متأسفانه در این دوره با گذشت حدود ۴۰ سال از انقلاب اسلامی شاهد آن هستیم که عدۀ زیادی از زنان از انقلاب اسلامی فاصله گرفته‌اند و غرب را الگوی خویش قرار داده‌اند. و علت عمده این مشکل این است که اصول اعتقادی از اصل خارج شده و در حاشیه قرار گرفته است. توحید باوری‌ها بسیار ضعیف گشته و سایر اصول اعتقادی نیز جای خود را به تجملات و ظواهر و مادیات داده است. به همین علت است که غرب به راحتی توانسته است در افکار و اذهان زنان نفوذ کرده و آنان را از اصول اعتقادی که سبب پیروزی انقلاب اسلامی و نیل به آرمان‌های مقدس اسلام است فاصله دهد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بعد اعتقادی زنان انقلابی پرداخته است تا اهمیت موضوع کاملاً روشن گردد

واژگان کلیدی: زنان انقلابی، اصول اعتقادی، انقلاب اسلامی.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد فقه و معارف اسلامی گرایش کلام جامعه‌المصطفی ﷺ
العالمیه / ad.sadat69@gmail.com

مقدمه

باید توجه داشت که انقلاب بزرگ اسلامی، نقش بزرگی را در جهت حفظ اسلام ایفا کرد. عوامل زیادی در پیروزی انقلاب اسلامی دخیل بودند که یکی از مؤثرترین عامل، حضور پر شور زنان در این انقلاب عظیم بود. در این تحقیق سعی شده است تا به چگونگی تأثیر اصول اعتقادی بر فعالیت زنان در انقلاب مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی که در زمان حاضر، غرب بر زنان کشورمان چیره شده و سعی می‌کند با نیرنگ‌های مختلف، آنان را نسبت به اصول اعتقادی‌شان غافل سازد و به دنبال آن شأن و منزلت زن را پایین آورده تا با این کار بتوانند اسلام را بر زمین زده و نابود سازند و تمام آرمان‌های مقدس اسلام را که با چه خون دادن‌ها و خون دل خوردن‌ها به ثمر رسیده به باد فراموشی بسپارند، لذا ضرورت دارد به بعد اعتقادی زنان انقلاب پرداخته شود تا روشن گردد که با تقویت ایمان و اعتقاد می‌توان در برابر هر گونه هجوم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... که از سوی غرب طاغوتی برنامه‌ریزی شده را خنثی نمود و در جهت حفظ دین اسلام، همانند زنان بزرگ انقلاب با آن‌ها مبارزه کرد.

باتوجه به مطالعاتی که درباب موضوع مورد نظر صورت گرفت، باید گفت که مقاله یا کتابی با این عنوان نیافتم. بله پژوهش‌های بسیاری درباب اصول اعتقادی و انقلاب صورت گرفته است منتها اینکه چگونه اصول اعتقادی در انقلاب اسلامی توانسته مؤثر واقع شود جای بحث داشت که بنده به آن پرداختم.

در این مقاله ابتدا به تأثیر اصول اعتقادی در عملکرد زنان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به معرفی زنان دلاور و انقلابی که می‌توانند به عنوان الگوهای شاخصی برای جهانیان از جمله زنان باشند پرداخته شده است.

روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم انقلاب

انقلاب در لغتنامه دهخدا به معنای واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳، ۳۵۷۸)

منوچهر محمّدی که پیرامون انقلاب و خصوصاً انقلاب اسلامی ایران کتاب‌های متعدّدی نوشته است، انقلاب را «یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیادی ارزش‌ها و باورهای مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی» تعریف می‌کند. (باباپور گل افشانی، ۱۳۸۲: ۱۹)

۲-۱. مفهوم اصول و اعتقاد

اصول جمع اصل، اصل به معنی ریشه، زیربناء و شالوده چیزی است. یعنی آن هسته مرکزی و اساسی که شیء از لحاظ ترکیب و رشد و نمو از آن سرچشمه می‌گیرد و آغاز می‌شود و نگاه تجزیه و تحلیل نیز به آن هسته مرکزی و اصلش برمی‌گردد. (قربانی، ۱۳۶۳: ۸)

اعتقاد، به معنی عقیده، ایمان، باور. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۹۱۸) عقاید جمع عقیده، عقیده یعنی وابستگی روحی و پیوند قلبی به یک چیزی. این مطلب پر واضح است که عقیده یک صفت از صفات نفس و یک حالت از حالت قلب و روح و روان انسان است. (قربانی، ۱۳۶۳: ۸)

۲. اصل اول: اعتقاد زن انقلابی به اصل توحید

۲-۱. اهمیت توحید

بی‌گمان، اصل توحید از جایگاهی والا در میان اصول اعتقادی دینی برخوردار است به گونه‌ای که دیگر اصول اعتقادی، بر این اصل استوار گشته‌اند. امام علی علیه السلام روایتی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «التوحید نصف الدین» و خود نیز می‌فرماید: «خداوند در میان اعضای بدن آدمی، مقام زبان را افزون کرده است و قرآن را به توحید گویا نموده است». (سیدان، ۱۳۸۰: ۲۵)

علی علیه السلام در خطبه نخست نهج البلاغه می‌فرماید: «سرلوحه دین معرفت خدا است و کمال معرفت خدا، تصدیق او است و کمال تصدیق، توحید او است و کمال توحید، اخلاص برای او است و کمال اخلاص، نفی وصف از او است؛ زیرا هر وصفی گواه است که غیر از موصوف است و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از وصف است». (سیدان، ۱۳۸۰: ۳۰)

۲-۲. ایمان به خدا

آن‌ها که ایمان به خدا دارند خود را تنها و ناتوان نمی‌بینند، مأیوس نمی‌شوند؛ احساس ضعف و ناتوانی نمی‌کنند، چون قدرت خدا بالاتر از همه مشکلات است و همه چیز در برابر او سهل و آسان می‌باشد. آن‌ها با امید به لطف و حمایت و کمک پروردگار به مبارزه با مشکلات برمی‌خیزند و تمام نیروهای خود را به کار می‌گیرند و با عشق و امید به تلاش و کوشش ادامه می‌دهند و بر سختی‌ها پیروز می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۱)

زنان انقلابی به این باور رسیده بودند که خداوند متعال، یکتا و یگانه است و در مشکلات و سختی‌ها و ظلم، جز او یار و یاور آن‌ها نخواهد بود. لذا با ایمان و اعتقاد به حضرت دوست در برابر مشکلات مقاومت کردند و پا به پای مردان در مقابل دشمنان ایستادند تا عدالت، دوستی، یکتاپرستی و دیگر آرمان‌های اسلام را در برابر ظلم و استکبار و طاغوت و... به کرسی نشاندند و دشمن غرب را با آرمان‌های پوچش از کشور ایران بیرون نهند.

۳. اصل دوم: اعتقاد زن انقلابی به عدل الهی

عدالت از میان صفات خدا چنان اهمیتی دارد که بسیاری از صفات دیگر به آن بازگشت می‌کند، زیرا «عدالت» به معنی وسیع کلمه قراردادن هر چیز در جای خویش است، در اینصورت حکیم و رزاق و رحمان و رحیم و مانند آنها همه بر آن منطبق می‌گردد.

مسأله معاد نیز متکی به مسأله «عدل الهی» است، رسالت پیامبران، مسئولیت امامان، نیز با مسأله عدالت خداوند ارتباط دارد. مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۷۹ و ۸۰

عدل به حسب معنای تصویری، عبارت است از بودن افعال واجب‌الوجود، میان افراط و تفریط و به حد اعتدال. و به حسب معنای تصدیقی، آن است که مکلف دردل، اعتقاد کند و به زبان اقرار کند که خداوند عالم، عادل است و در جمیع افعال، کامل است و از فعل قبیح، مثل ظلم و عدوان و دروغ و غیره و از اخلال به واجب، منزه و مبراً است و جمیع فعل‌های او نیکو است و باغرض و فایده است، که عاید به بندگان می‌شود و صاحب لطف به بندگان است و فعل او همیشه بر وفق مصلحت است و خلق کرد بندگان را با قدرت و اختیار، بدون تفویض و اجبار. (قمی، بی‌تا: ۳۹)

زنان و مردان مسلمان با اعتقاد به اینکه خداوند عادل بوده و اراده‌اش بر عدالت تعلق می‌گیرد لذا حکومت ظلم و جور را مخالف اراده‌ی پروردگار عالم دانسته و لذا سعی بر براندازی این حکومت ناعادلانه داشتند، بر همین اساس علیه ظلم و ستم انقلاب اسلامی را به‌وجود آوردند تا عدل و رهبری راستین در جامعه انسانی حکومت کند، چراکه عالم بزرگ آفرینش با عدالت پابرجاست و جامعه بشری نیز بدون آن پابرجا نخواهد ماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۱) و این عدالت‌خواهی سبب شد که حتی زنان همراه مردان برای قیام علیه شاه ظالم و مستبد به میدان‌ها بیایند و با شعار مرگ بر شاه و مرگ بر آمریکا علیه ظلم و ستم و هر گونه ضد ارزش‌های اسلامی مبارزه کنند.

۴. اصل سوم: اعتقاد زن انقلابی به اصل نبوت

بدانکه نبی - یعنی پیغمبر- انسانی را گویند که خبر از خدای تعالی می‌داده باشد بی‌واسطه آدمی، مثل پیغمبر ما که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف است. پس اعتقاد می‌باید کرد که آن حضرت پیغمبر بر حق است؛ یعنی هرچه می‌فرماید و نقل از خدا می‌کند درست و راست است و خدای تعالی او را فرستاده است؛ یعنی حاکم ساخته بر همه بندگان خود و امر کرده که تابع حکم او باشند و هرچه او گوید و فرماید به جای آورند. پس حکم آن حضرت، حکم خدای تعالی است به یقین و بی‌شک و شبهه. (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۰: ۴۹)

زنان انقلابی این اصل اعتقادی و مهم را قلباً پذیرفته بودند که پیغمبر ما ﷺ، پیغمبر همه مکلفان است از زمانیکه به پیغمبری برانگیخته شده تا انقراض اهل عالم، و در قرآن و احادیث اشاره به این معنی هست مثل «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ»، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». و نیز آنکه بعد از پیامبر اکرم ﷺ پیغمبری نخواهد بود؛ چنان که در قرآن فرموده که: «وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ»؛ یعنی «محمد ﷺ رسول و پیغمبر خداست و آخر پیغمبران است». (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۰: ۵۲)

پیامبران الهی با تمام وجود سختی‌ها را تحمل کردند تا مردم را به راه سعادت و کمال هدایت کنند، حتی جان خویش را فدا کردند.

در انقلاب اسلامی، آنچه باعث شده بود که زنان را از خانه‌ها به میدان‌ها بکشاند، اعتقاد به رسالت نبی مکرم اسلام در جهت حفظ دین اسلام بود. چه مرد و چه زن همه می‌دانستند که اسلام با خون جگرها با سختی‌های بسیار توانسته از تمام بحران‌هایی که در جهت از بین بردنش وجود داشت تا به کنون حفظ شود و حال که در معرض خطر قرار گرفته باید هر مسلمانی اعم از زن و مرد در جهت حفظش تلاش کرده حتی جان خویش را به فنا دهد تا زحمات بی‌وقفه حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و مجتبان و ولایت‌مداران

ایشان بی نتیجه نماند. زنان انقلابی با چنین اعتقادی برای تبلیغ دین اسلام به میدان‌ها آمدند و برای حفظ دین پیامبرشان قیام کردند و انقلاب بزرگ اسلامی را به کمک مردان انقلاب و رهبر معظم انقلاب به وجود آوردند و به پیروزی انقلاب اسلامی دست یافتند.

۵. اصل چهارم: اعتقاد زن انقلابی به اصل امامت

۵-۱. پیوند امام‌شناسی با خداشناسی

خداوند، جن و انس را برای عبادت و معرفت خدا آفرید^۱ و هدف خلقت چیزی جز معرفت خدا نیست. این معرفت صرفاً با بندگی خدا حاصل می‌شود و رسیدن به این مقام، مستلزم تسلیم و تصدیق اولیای الهی است. «وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ؛ هرکس شما اهل بیت را شناخت، خدا را شناخته است.» (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۴۱) آفرینش همه عالم برای معرفت و عبادت خداست و این هدف جز به واسطه «حجّت خدا» برای کسی قابل دسترسی نیست. به خاطر همین منزلت است که مفسّرین «اَیْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» را اینگونه تفسیر کرده‌اند که مثل مثل خدا (که اهل بیت علیهم‌السلام هستند)، کسی نیست. در واقع جاری شدن کمالات و صفات الهی در ائمه علیهم‌السلام به میزانی است که به عنوان «انسان کامل»، شبیه‌ترین افراد به خداوند از حیث دارا بودن صفات کمالی پروردگار هستند. (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۴۱)

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمودند: «لَوْ لَانَا مَا عُرِفَ اللَّهُ وَ لَوْ لَانَا مَا عُبِدَ اللَّهُ، بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا عُبِدَ اللَّهُ؛ اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد و اگر ما نبودیم خدا پرستش نمی‌شد. به واسطه ما خدا شناخته شد و به واسطه ما خدای متعال پرستیده شد.» (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۴۲)

حال که اهمیّت جایگاه ولایت و منحصر بودن شناخت صحیح و دقیق خدا از طریق اهل بیت علیهم‌السلام روشن گردید، معنای این کلام نورانی امام حسین علیه‌السلام

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ ذاریات: ۵۶.

در پاسخ به سؤال فردی که درخصوص چیستی «معرفت خدا» می‌پرسید، مشخص می‌گردد: (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۴۲)

حضرت فرمودند: «اگر اهل هر زمانی امام واجب الطاعة خود را بشناسد، معرفت به خدا را پیدا می‌کند». (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۴۳)

این ارتباط امام‌شناسی با خداشناسی و گذر مسیر اطاعت الهی از شناخت امام در کلام بزرگانی همچون آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله، اینچنین تشریح شده است:

«اگر مسأله امام‌شناسی بالا رود، خداشناسی هم بالا می‌رود. چه آیتی بالاتر از امام علیه‌السلام؟ امام آینه‌ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می‌دهد». (همان)

امام باقر علیه‌السلام نبوت و امامت خاصه را ادامه توحید و کامل‌کننده گستره آن می‌داند. (سهرابی فر، ۱۳۹۴: ۱۵۹)

اساسی‌ترین مسأله دین، مسأله ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر، و از او به ولی مؤمنین می‌رسد. (گردآوری و تنظیم مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰: ۲۲)

زنان انقلابی به یقین می‌دانستند که تنها راه تسلیم و تصدیق اولیای الهی قیام علیه زور و ستم و ضد ارزش‌های اخلاقی است لذا با این اعتقاد، به راهنمایی‌های حضرت آیت‌الله خمینی رحمته‌الله اعتماد کردند و ایشان را به عنوان ولی فقیهی که مورد تأیید خداوند متعال در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام هستند پذیرفتند و به کمک ایشان توانستند انقلاب بزرگ اسلامی را به وجود بیاورند. در واقع آنچه زنان را ترغیب و تشویق می‌کرد که در این انقلاب عظیم شرکت کنند، اعتقاد به وجود نازنین حضرت بقیه‌الله‌الاعظم امام زمان علیه‌السلام بود. آن‌ها به این امید که روزی حضرت حجّت، خود پا به عرصه جنگ با دشمن خواهد گذاشت و علیه هرگونه طاغوت و ظلم و ستم و تبعیض و... قیام خواهد کرد

در زمینه‌سازی ظهور شرکت می‌کردند تا ظلم و استکبار را به عقب رانده و اسلام را زنده نگه دارند. بله اعتقاد به ولایت و امامت چنین قدرت عظیمی را در هر محبّی ایجاد می‌کند تا جان خویش و منافع خویش را نادیده گرفته و به سمت رضایت الهی حرکت کند.

۲-۵. تجلّی توحید در نظام امامت

اصالت توحیدی امامت از اینجا معلوم می‌شود که بر حسب عقیده توحید، حکومت و ولایت و مالکیت حقیقت مطلقه، مختص به خدا است و حق و حقیقت این صفات فقط برای او ثابت است که: «هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ الْحَاكِمُ، وَ هُوَ السُّلْطَانُ وَ هُوَ الْمَالِكُ وَ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ وَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ».

و هیچ‌کس در عرض خدا، حتی بر نفس خود، نه سلطنت و ولایت تکوینی دارد، و نه ولایت تشریحی؛ تا چه رسد به اینکه بر دیگری ولایت یا حکومت داشته باشد، یا مالک امر او باشد. بنابراین، هر حکومتی که از جانب خدا و به اذن او نباشد، طاغوتی و مداخله در کار خدا و حکومت خدا است، و هرگونه پذیرش و فرمانبر از آن، پذیرش از فرمان طاغوت، و حرکت در جهت مخالفت دعوت انبیاء است که در قرآن مجید در مثل این آیه بیان شده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ ابْعُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».

نظر به اینکه مفهوم طاغوت، چون اعمّ است شامل فرمانروایان مستبد و حکومت‌های غیر شرعی و طغیان‌گر نیز می‌باشد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۲۶)

همچنین، هر ولایتی باید از جانب خدا و مستند به خدا باشد، حتی ولایت پدر بر فرزند صغیرش، و ولایت شخص بر نفس و مال خودش و ولایت فقیه در عصر غیبت امام عصر علیه السلام و ولایت پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام همه باید از جانب خدا باشد، و هر ولایتی از جانب او نباشد، هیچ اعتبار و اصلتی ندارد. (همان، ۲۷)

لذا جامعه‌ای که در آن آرمان‌های اسلامی حاکم نباشد، حجاب و عفاف در آن نقشی نداشته باشد، ظلم و ستم در آن حکم‌فرما باشد، آن جامعه جامعه‌ی

اسلامی و توحیدی نخواهد بود، آن جامعه جامعه طاغوتی و مستبد و ضد ارزش‌های الهی خواهد بود. در زمان انقلاب، یعنی زمانی که رضا شاه بر جامعه حکومت می‌کرد، در واقع ارزش‌های غربی و ضد اسلامی حکومت می‌کرد لذا اطاعت و پیروی از این چنین حکومتی در واقع یعنی پذیرفتن طاغوت. امام خمینی علیه السلام هرگز نمی‌توانست با چنین حکومتی کنار بیاید زیرا؛ او انسانی بود الهی که برای خود و همه انسان‌ها ارزش قائل بود. ارزشی که تنها با عبادت برای خدا و تلاش برای رسیدن به او حاصل می‌شد. امام علیه السلام تنها راه رسیدن به او را، جنگ با دشمنان اسلام و براندازی حکومت طاغوت می‌دانست. لذا در جهت حفظ دین اسلام، مردم را به وحدت و مقابله با دشمن دعوت می‌نمود و حتی حضور زنان را در این انقلاب لازم و ضروری می‌دانستند.

۶. اصل پنجم: معاد

یکی از اصول اعتقادی دین اسلام، اصل معاد است. بنابراین اصل، همه انسان‌هایی که در این عالم به دنیا آمده و رفته‌اند و از این پس می‌آیند و مدتی زندگی می‌کنند و می‌روند، همه و همه در جهان دیگری زنده شده در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند و به پاداش و یا کیفر اعمال خود می‌رسند. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۶)

ایمان به روز جزا در جهان‌بینی مکتب اسلام یکی از ارکان ضروری دین و از جمله اصول قطعی اعتقادی است و در قرآن شریف و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام هزارها آیه و حدیث درباره آن رسیده است. کسی که روز جزا را باور ندارد و آن را نفی می‌کند به دین اسلام ایمان ندارد و نمی‌توان او را از گروه پیروان قرآن شریف به حساب آورد. (فلسفی، بی تا: ۱)

ایمان به مبدأ و معاد در جهان‌بینی مکتب انبیاء دو رکن مهم اعتقادی و زیربنای تمام ادیان آسمانی است. سرآغاز دعوت پیامبران الهی آن بود که مردم، مؤمن به غیب شوند و به واقعیت‌های نامحسوس که دین خدا بر آنها

استوار است معتقد گردند. مهم‌ترین غیبی که شرط قطعی در ادیان الهی است، ایمان به خدا و ایمان به قیامت است. (همان، ۸)

کسانی که معاد را به یقین باور کرده‌اند و به آن ایمان واقعی دارند، هرگز از یادش غافل نمی‌شوند. اینان پیرامون گناه نمی‌گردند و در زندگی از لذایذ و منافع غیر مشروع اجتناب می‌کنند که در روز حساب مورد مؤاخذه و کیفر الهی قرار نگیرند. همچنین برای اعلای حق و اطاعت امر پروردگار، به مشکلات و سختی‌ها تن می‌دهند و از مال و جان خو چشم می‌پوشند. برای آنکه در آخرت به پاداش الهی نائل شوند و از رضوان باری تعالی برخوردار گردند. (همان، ۱۱) با چنین اعتقادی، زنان چادرها را محکم دور کمر بستند و به امید پاداش الهی خود، فرزندان و همسران خویش را برای مقابله با دشمن آماده کردند. و با شعار اینکه خدا با ما است و شهید در راه خدا زنده است با دشمن جنگیدند.

۷. الگوی فاطمی (چهره شاخص در تمام صحنه‌های انقلاب)

زنان کشور ما؛ با آشنایی از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و معرفت و مبارزات و سخنان حکمت‌آمیز آن بزرگوار، می‌توانند راهی را مقابل خود ترسیم کنند و به سمت آن حرکت کنند. (بانکی پور فرد، ۱۳۹۳: ۴۲)

راهی را که حضرت زهرا علیها السلام پیمود در واقع اسلام را در مسیر جاودانگی به حرکت درآورد. تمام توانش را در جهت حفظ اسلام خرج کرد تا اسلامی را که پیامبر صلی الله علیه و آله پایه‌گذارش بود را به تمام جهان عرضه کند.

این محبت و علاقه‌ای که نسبت به حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد، وظیفه‌ای را بر دوش ما می‌گذارد. وظیفه این است که ما باید به روش ایشان عمل کنیم؛ هم در عمل شخصی و هم در عمل اجتماعی و عمومی. راه، همین راهی است که امروز به فضل الهی، انقلاب جلو پای مردم ما گذاشته است. این، همان راه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است: خودسازی و جهان‌سازی.

خودسازی به معنای پرداختن به عمران و آبادی جانی که جسم ما محترم به اوست. (همان، ۴۱) اگر خودت را بسازی، می‌توانی جهان را بسازی.

فاطمه زهرا علیها السلام، بزرگ‌ترین بانوی تاریخ بشر، افتخار اسلام، افتخار این دین و افتخار این امت است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: امروز جامعه زنان در جهان در خلأ به سر می‌برد و دست او را گمراهان تاریخ گرفته‌اند و حرف‌های تمجیدآمیزی هم برای فریب زنان می‌زنند. شما مدآحان باید ابعاد زندگی حضرت زهرا علیها السلام را یادآوری کنید. ما سال‌ها پیرامون فضایل معنوی و خصلت‌های انسانی حضرت زهرا علیها السلام صحبت کرده‌ایم، اما به این نکته که الگوی مجسمی از زن امروز را نشان دهیم و به ابعاد سازنده شخصیت انسانی که بتواند دنیا را اداره کند کمتر توجه داشته‌ایم و امروز باید این خلأ را جبران کنیم؛ زیرا زندگی حضرت زهرا علیها السلام نه تنها الگویی برای زنان مسلمان و انقلابی کشورمان است بلکه زندگی این بانوی معصوم می‌تواند الگویی برای تمام زنان جهان باشد. مردم دنیا باید پیام حضرت زهرا علیها السلام را بدانند و این انقلاب با برکت حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند به دنیا صادر شود. (همان، ۳۱)

اما آنچه باعث شد که حضرت زهرا علیها السلام به چنین مقامی برسد و خدمت بزرگی را به اسلام کند ارزش‌های اعتقادی ایشان بود که سبب شده بود احساس وظیفه و مسئولیت خطیری بنماید و از اسلام دفاع کند. عبودیت و بندگی برای خداوند یکتا بود که ایشان را برای خدمت به دین پیامبرش که همان دین خدا است مصمم کرد و اعتقاد به ولایت بود که ایشان در دفاع از امامت و ولایت مولایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام حرکت می‌کرد، تا اسلام را حفظ نماید و ارزش‌های اسلامی را همچون عدالت، اخلاق، عبودیت و... را به جهان عرضه کند.

فاطمه زهرا علیها السلام در طول دوران زندگی یکی از چهره‌های برجسته حاضر در صحنه انقلاب اسلامی بوده است. به عنوان یک بانوی طراز اول اسلام از هیچ

یک از مسائل مهمی که در دوران بعثت و رسالت و سپس هجرت بر مسلمانان-ها می‌گذاشته است فاطمه زهرا علیها السلام فارغ نبوده است. او انسانی است که به لذت‌ها و شهوت‌ها و خواهش‌های دنیایی با چشم تحقیر نگاه می‌کند اصلاً تحقیر می‌کند. خطا و لغزش از او سر نمی‌زند. از لحاظ رعایت حجابی که برای زن در اسلام مقرر شده آنجور است که وقتی مرد نابینایی وارد می‌شود در محضر پیغمبر صلی الله علیه و آله او خودش را جمع می‌کند و می‌پوشاند، به او گفته می‌شود که او نابینا است. می‌گوید من که بینا هستم. (بانکی پور فرد، ۱۳۹۳: ۶۴)

جهاد آن بزرگوار در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام، در دفاع از امامت و ولایت، در حمایت از پیامبر، در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود. (همان، ۶۵)

۸. زینب عالمه علیها السلام الگوی نمونه و مظهر علم و معرفت

زن مسلمان برای انجام تمامی وظایف مهمی که یک زن می‌تواند انجام دهد، باید از حضرت زینب علیها السلام تعلیم بگیرد. طهارت، تقوا که بزرگ‌ترین خصوصیت یک زن است، اهمیت دادن به ارزش‌های اصیل بیش از هر چیز دیگری در زندگی، توجه به علم و معرفت، انجام فعالیت‌های سیاسی و امداد رسانی به انسان‌ها و کیفیت دادن به محیط خانه و خانواده از ویژگی‌های حضرت زینب کبری علیها السلام محسوب می‌شود. (همان، ۱۱۸)

زینب کبری علیها السلام دختر فاطمه زهرا علیها السلام به مقتدرترین سلاطین زمان خودش در وقتی که خود او اسیر در دست آن سلطان ظالم و سفاک است، می‌گوید که هرکار می‌توانی بکنی بکن؛ اما نخواهی توانست ما را از صحنه تاریخ بیرون ببری و راه ما را محو و پاک کنی تا بشریت نتواند این راه را برود. (همان، ۱۱۹)

۱-۸. نگاه زیبای حضرت زینب علیها السلام به سختی‌ها

وقتی که دشمن می‌خواهد زینب کبری علیها السلام را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، می‌فرماید: «ما رأیتُ إلا جمیلاً»؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم.

برادرانش، فرزندان، عزیزانش، نزدیکترین یارانش، این‌ها درمقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون تبدیلند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ می‌گوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی‌ای است؟ این زیبایی را همراه کنید با آنچه که نقل شده است که زینب کبری علیها السلام حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. درطول دوران اسارت، انقطاع الی الله‌اش، دلبستگی‌اش به خدای متعال، رابطه‌اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگو است. (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۳: ۱۱۹)

۹. وظیفه‌مندی زنان انقلاب در نصرت و یاری دین خدا

نصرت و یاری الهی، زمانی شامل حال افراد می‌شود که آنان نیز به نصرت و یاری «ولی‌خدا» پردازند. آنانکه توفیق یابند خدمتگزار دین خدا در پرتوی سرپرستی خدا باشند، از جایگاه و مقام والایی برخوردار خواهند شد. (معین - الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۵۹) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، درخصوص منزلت نصرت‌کنندگان ائمه هدی علیهم السلام می‌فرماید: «خدای عزوجل، به هیچ‌یک از دوستان خود که جان خویش را در اطاعت و خیرخواهی برای امامش به زحمت اندازد، نظر نمی‌افکند مگر اینکه او را در رفیق اعلی [یعنی جایگاه پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان در بهشت] در کنار ما جای دهد. (کلینی، کافی، ۴۰۳). همه افراد بشر به آزمون «نصرت ولی خدا» امتحان می‌شوند و به صرف ادعای دوستی و محبت، کسی در زمره یاران دین خدا قرار نمی‌گیرد. (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۵۹)

از آنجا که خداوند اراده کرده است که مؤمنین راستین از مدعیان دروغین را به وسیله آزمون‌های گوناگون تفکیک نماید، دنیا و به‌خصوص آخرالزمان را از آزمایشات گوناگون لبریز ساخته و در بوتۀ پر حرارت این آزمون‌ها، عیار ایمان مؤمنان را به محک صبر و چگونگی رویارویی با حوادث روزگار و نحوه یاری و نصرت ولی‌خدا، می‌سنجد. (همان) که حقیقتاً زنان انقلاب به‌خوبی از پس این امتحان برآمدند و درجهت یاری امام زمانشان حضرت مهدی علیه السلام و

به رهبری امام خمینی علیه السلام قیامی کردند که تن دشمن به لرزه افتاد و از رسیدن به اهدافشان ناامید گشتند.

عموم شیعیان در دل خود، محبت امام زمانشان را دارند و از دشمنان ایشان هم بیزارند لیکن اکثر آنان توفیق نصرت و یاری حضرت را ندارند. بسیاری از افراد نمی‌دانند که بالاتر از «مقام محبت» مرتبه دیگری به نام «مقام نصرت» وجود دارد و شیعه واقعی علاوه بر محبت، ناصر و یاری‌دهنده امام عصر علیه السلام می‌باشد. (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۹: ۶۰)

نتیجه

همان‌طور که مطالعه فرمودید از مجموعه مباحث، می‌توان نتیجه را بدین صورت ارائه داد که ایمان به خداوند متعال، اصل و اساس همه اعمال و رفتار ما در زندگی می‌باشد. زیرا؛ اگر کسی معتقد به وجود خدای یگانه و بی‌همتا و قادر باشد و مخصوصاً خداوند را به عنوان خدای عادل که به دور از افراط و تفریط است بشناسد بدون شک تمام حرکات و سکنات این عالم را بیهوده و پوچ و گزاف تلقی نخواهد کرد و به‌طور یقین می‌داند هر عملی در این عالم، در روز قیامت پاسخی خواهد داشت، یا مورد مذمت و عذاب قرار خواهد گرفت یا مورد تحسین و پاداش. حال قضاوت کنید چه عاملی سبب شد که زنان انقلاب در برابر هجوم دشمنان، استقامت خود را حفظ کنند؟ در برابر شکنجه‌هایی که ممکن بود در پیش داشته باشند صبورانه و دلاورانه بایستند و حتی از مال و زندگی و فرزندان خود بگذرند و عاشقانه به سمت شهادت حرکت کنند؟ آنچه آنان را در صحنه‌های مختلف انقلاب کشاند نیروی ایمان به خدای یکتا و ولایت و امامت به حضرت حجت علیه السلام بود که رفاه و آسایش را فدای حفظ دین اسلام کردند. بدون شک اصول پنج‌گانه اعتقادی اصل و اساس همه امور زندگی قرار می‌گیرد و سایر فروع دین تحت تأثیر اعتقاد به همین اصول اعتقادی قرار دارد. زنان مسلمان ایران و جهان با الگوگیری از سبک مجاهدت‌های حضرت زهرا علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام و زنان بزرگ

انقلاب اسلامی می‌توانند همانند آن‌ها برای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی گام صحیح و تأثیرگذاری را بردارند بدون اینکه گمان کنند که زن بودن، مانع از رشد و تعالی و کمک به دین مبین اسلام باشد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. باباپور گل افشانی، محمدمهدی، (۱۳۸۲)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران ریشه‌ها و پیامدها، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲. برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله تعالی)، نقش و رسال زن ۲: الگوی زن، به کوشش: امیر حسین بانکی پور فرد، (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. سیدان، سیدجعفر، (۱۳۸۰)، توحید، شماره ۱۹، علمی - ترویجی (وزارت علوم) ۹/، ISC.
۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۷)، معادشناسی، مقدمه و ترجمه: دکترعلی شیروانی، چ چهارم، قم: دارالفکر.
۶. سهرابی‌فر، محمد، (۱۳۹۴)، چیستی انسان در اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۹۰)، تجلی توحید در نظام امامت، چ دوم، قم: مسجد مقدس جمکران.
۸. قربانی، محمدمهدی، (۱۳۶۳)، ایدئولوژی اسلامی یا درس‌هایی از اصول عقاید، ناشر: مؤلف.
۹. قمی، عباس، (بی‌تا)، علم‌الیقین فی معرفه اصول دین، تحقیق: محمدجواد قیومی، دارالثقلین.

۱۰. گردآوری و تنظیم مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، (۱۳۹۰)، چ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

۱۱. فلسفی، محمدتقی، (بی‌تا)، معاد از نظر روح و جسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹)، پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، چ بیست و دوم، قم: نسل جوان قم.

۱۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ (۱۳۸۰)، اصول دین، تحقیق: محسن صادقی، چ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۴. معین‌الاسلام، مریم و علی غلامی، (۱۳۸۹)، زن منتظر و منتظرپروری، چ هفدهم، قم: نشر مؤلف (مؤسسه علمی و فرهنگی زنان منتظر).